

بررسی کتیبه‌های ظروف فلزی دوره سلجوقی با تأکید بر چهار اثر گنجینه اسلامی موزه ملی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۴

کد مقاله: ۴۰۳۴۷

یوسف قاسمی قاسموند^{*}، فرزاد شکرایی فرد^۲

چکیده

فلزکاری در دوره سلجوقی با حفظ ابهت و ظرافت‌های خاص دوره ساسانی، جنبه‌های هنر اسلامی را نیز در بردارد. حمایت و تشویق پادشاهان سلجوقی در تعالی این هنر مؤثر واقع شد. در گنجینه اسلامی موزه ملی تعداد زیادی از این آثار فلزی موجود است که شامل تعدادی شمعدان، بخوردان، هاون، صندوقچه و جعبه، مرکبدان، کوزه، آینه، دیگچه می‌باشد. تقریباً بر روی همه اشیاء فلزی نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی و کتیبه ترسیم شده است. این کتیبه‌ها گاهی مرکب از مفاهیم مهجور آرمانی است، اغلب اطلاعات ارزشمندی را درباره حامیان، سازندگان و تاریخ آن‌ها ارائه می‌دهد و کمتر اتفاق می‌افتد که جای تولید و کارگاه آن‌ها ذکر شده باشد. نگارندگان در پژوهش پیش رو کوشیدند تا به شناخت شیوه‌ها و سبک‌های طراحی حروف کتیبه‌ها بر روی ظروف فلزکاری سلجوقی و با تأکید بر چهار نمونه‌ی فلزی گنجینه اسلامی موزه ملی را تشریح کنند. بنابراین مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که چه رابطه‌ای میان ساختار خطوط کتیبه‌های ظروف فلزی در دوره سلجوقی با حجم ظروف و تزئینات پیرامونی وجود دارد؟ تمام کتیبه‌های این ظروف با خطوط کوفی، نسخ و ثلث و با انواع تزئینی مختلف ترسیم شده‌اند. پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به شیوه اسنادی و میدانی انجام گرفته است. نتیجه نشان می‌دهد که این کتیبه‌ها متأثر از حجم کلی ظروف و ساختار نقوش پیرامون طراحی شده‌اند.

واژگان کلیدی: کتیبه‌نگاری، فلزکاری سلجوقی، مکتب خراسان، گنجینه اسلامی موزه ملی. طراحی حروف.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (مسئول مکاتبات) yooesfghasmi7318@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۱- مقدمه و بیان مسئله

ظهور اسلام، هنر و صنایع هنری را دچار تغییر و تحول عمده‌ای کرد و تقریباً کلیه قالب‌های هنری گذشته را خصوصاً در ایران دگرگون ساخت. اشیاء هنری و صنعتی به‌گونه‌ای ساخته می‌شدند که با روح معنوی دین اسلام سازگاری داشته باشند (آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۶۷). فلزکاری با پیشینه خود در قیل از اسلام بسیار فاصله گرفت و در طول چند سده، تغییرات بسیار عمده کرد. این دگرگونی‌ها را می‌توان در ساخت ظروف و آلات جدید، ابداع فرم‌های نو و بی‌سابقه، تغییر و گسترش فلزهای مورد استفاده، نوع تکنیک کار و استفاده از خط کوفی به‌عنوان تزئین در اشیاء فلزی مورد بررسی قرارداد (مرادی، ۱۳۹۵: ۳). آثار هنری ایران، از جمله هنر فلزکاری، در طول سده‌های مختلف تاریخی، انعکاس دهنده اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آیینی و مذهبی بوده‌اند. در این میان آثار فلزی سلسله سلجوقی، از اعصار طلایی هنر ایران به شمار می‌رود (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۵۰۸).

کتیبه‌ها بر آثار دوران اسلامی عرصه‌ی هنرنمایی خوشنویسان، صنعتگران و حتی تصویرسازان بوده و بسیاری از آثار ارزنده خوشنویسی، بر کتیبه‌ها نقش شده است. کتیبه‌نگاران که در حقیقت طراحان حروف زمانه خود بوده‌اند، خلاقیت‌های خود را بر هر شی‌ای که در محیط زندگی دیده می‌شده است نقش کرده‌اند. آن‌ها کتیبه‌ها را بر اساس موضوع، متن و محل آن انتخاب می‌کردند و بدون داشتن ابزارهای پیشرفته امروزی تنها بامهارت و خلاقیت خود می‌نگاشتند (حیدرآبادیان و عباسی‌فر، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۹). عصر سلجوقی از دوره‌های درخشان کتیبه‌نگاری، به‌ویژه بر ظروف فلزی بوده است. کتیبه‌های کوفی و ثلث بر این ظروف دارای خصوصیات تصویری و تزئینی منحصر به فردی می‌باشد؛ به طوری که مانند آن در هیچ شی دیگری بدین شکل تنوع دیده نشده است (نوروزی طلب و افرغ، ۱۳۸۹: ۱۱۵). تزئینی‌ترین شیوه خط کوفی اسلامی که از جمله مهم‌ترین و کامل‌ترین و زیباترین نوع خط تزئینی است، کتیبه‌های خط با تزئینات انسانی و حیوانی است، که در آنها انتهای حروف به‌جای اشکال نباتی به‌صورت انسان یا حیوان و یا پرنده درآمده است؛ این شیوه خوشنویسی مخصوص فلزات دوره سلجوقی است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۱).

در حوزه‌ی فلزکاری سلجوقی دو مکتب خراسان و موصل مورد توجه اکثر محققان و شرق شناسان بوده است (Watts, 2014). تا جای که بسیاری از کتیبه‌های بر ظروف فلزی سلجوقی شباهت‌های بسیاری با کتیبه‌های برخی از بناهای این دوران در خراسان دارد. آصف فکرت در کتاب "خط" از خط کتیبه‌ی این بناها با نام "خراسانی" یاد کرده است (فکرت، ۱۳۷۷). این شیوه در خراسان قدیم و در عهد غزنویان در سده‌های چهارم و پنجم هجری رواج داشت است. الف‌ها و لام‌ها در این خط از کشیدگی و موازات بیشتری برخوردارند (Kuiper, 2010: 180) و جای قرارگیری روی این آثار نیز به شکلی است که در کنار سایر نقوش تزئینی فلزکاری به‌خوبی نشسته است، و مخاطب نه‌تنها در وجهی هنرمندانه متن کتیبه را می‌خواند بلکه با نمای مناسبی جهت تزئین اثر مواجه می‌شود، که بار دیگر نگاه خلاقانه و دقیق استادکار را به بیننده القا می‌نماید. از همین رو، پرسش‌های مطرح در این مقاله به ترتیب زیر است که چه رابطه‌ای میان ساختار خطوط کتیبه‌های ظروف فلزی در دوره سلجوقی با حجم ظروف و تزئینات پیرامونی وجود دارد؟. در این راستا، می‌توان از میان این آثار به ساختار نقوش پیرامون این ظروف، برخی از رویدادها، عقاید، سازنده در دوره سلجوقی پی‌برد و براساس ضرورت این پژوهش، بعضی از نکات مهم و نانوشته تاریخ را تبیین نمود.

۲- پیشینه تحقیق

در مطالعه و بررسی ظروف فلزی دوره سلجوقی پژوهشی در زمینه آثار گنجینه اسلامی موزه ملی انجام نشده است، اما در زمینه فلزکاری سلجوقی کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی به طبع رسیده و فلزکاری سلجوقی نیز از جوانب دیگری مورد تفحص قرار گرفته است. در این میان می‌توان به این مطالعات اشاره کرد: ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابر^۱ (۱۳۸۷)، ریچل وارد^۲ (۱۳۸۳)، ارنست کونل^۳ (۱۳۷۶)، هلین براند^۴ (۱۳۸۷)، محمدتقی احسانی (۱۳۶۸)، فائق توحیدی (۱۳۸۶)، افروغ نوروزی طلب (۱۳۸۹)، صلاح حسین العبیدی (۱۳۹۰).

طاهر نیا (۱۳۹۳) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان "بررسی جایگاه و کاربرد خط کوفی در آثار فلزی دوره سلجوقی ایران؛ عنوان عملی: طراحی حُرزدان بر اساس نقوش آثار فلزی دوره سلجوقی ایران"، خط کوفی را به‌عنوان خط رایج دوره سلجوقی تلقی نموده، که در هنرهای مختلف این دوره از جمله فلزکاری مورد استفاده قرار می‌گرفت. علاوه بر این، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خضری (۱۳۹۰) با عنوان "بررسی طراحی حروف کتیبه‌های ظروف فلزی ایران در دوران سلجوقی"، این پژوهش ابتدا به‌منظور شناسایی این ظروف، حوزه تاریخی و جغرافیای فلزکاری ایران در دوران سلجوقی معین شده است، در مرحله بعد، ظروف شناسایی شده در نه دسته طبقه‌بندی شده و خطوط کوفی و ثلث نگاشته شده بر آن‌ها با انواع تزئینی‌شان تفکیک و تشریح شده‌اند. نگین امان (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "مطالعه گونه‌شناسی نقش و فرم در فلزکاری عصر سلجوقی به‌منظور طراحی زیورآلات". به بررسی ویژگی‌های هنر فلزکاری عصر سلجوقی، فلزات مورد استفاده، روش‌های متداول تزئین اشیاء فلزی، بررسی و تقسیم‌بندی گستره نقوش به‌کاررفته در آن‌ها، و همچنین بررسی گونه‌های اشیای فلزی سلجوقی پرداخته شد.

مهسا ولی زده (۱۳۹۵) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "مقایسه تطبیقی روایت‌های تصویری نقوش فلزکاری دوره سلجوقی و صفوی"، نتیجه پژوهش نشان داد که اصول و چارچوب بنیادی بیشتر روش‌ها و نقوش کاربردی در هنر فلزکاری صفویه از دوره سلجوقی نشأت گرفته لیکن انسجام طرح‌های این دوره در آثار دوره سلجوقی وجود ندارد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد میرزاد (۱۳۵۷) با عنوان "بررسی مفهومی و تصویری ادعیه و نوشتار مذهبی با کاربرد دارویی و شفاء بر روی ظروف فلزی و سفال‌های دوران سلجوقی و صفوی"، این پژوهش از نوع نظری، با روش توصیفی به بررسی ظروف سفالی و فلزی از دوران سلجوقی و صفوی خواهد پرداخت که با ادعیه و آیات قرآنی، نقش‌مایه‌های نجومی و اعداد جادویی پوشیده شده، و برای درمان بیماری یا دفع بلا مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

برخی از مقالات به‌طور خاص بر ارتباط کتیبه‌ها با کاربرد ظروف فلزی دوره سلجوقی معطوف است، مهدی رازانی، حمیدرضا بخشنده فرد و اصغر توکلی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "فلزکاری سلجوقی هنری اسلامی با هویت ایرانی". در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های هنری فلزکاری عصر سلجوقی پرداخته شده است. محمد محسن خضری و عبدالرضا چارنی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان "بررسی خطوط و تزئینات کتیبه‌های کوفی و ثلث بر ظروف فلزی ایران در قلمرو سلجوقی"، این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف آن شناسایی انواع کتیبه‌های کوفی و ثلث بر ظروف فلزی این دوران است. در این پژوهش مبنای دسته‌بندی کتیبه‌ها، نوع خط، ساختار طراحی حروف و شیوه‌های تزئینی به‌کاررفته در آن‌ها بوده است.

۳- روش تحقیق

اطلاعات اولیه این پژوهش به روش‌های میدانی و اسنادی گردآوری شده است. بدین معنا که نمونه‌های ظروف فلزی دوره سلجوقی پس از دریافت از موزه ملی با استفاده از منابع پژوهشی مکتوب (کتاب، مقاله، پایان‌نامه) و تارنماهای تخصصی اینترنتی گردآوری و طبقه‌بندی شده‌اند. همچنین، نمونه‌های ظروف فلزی دوره سلجوقی در بررسی میدانی و بازدید بخش اسلامی موزه ملی، به‌صورت تصویری و نوشتاری مستندسازی شده‌اند. پس از آن، تحلیل داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. در تحقیق حاضر ۴ نمونه ظروف فلزی که امروزه در گنجینه اسلامی موزه ملی در معرض نمایش قرار دارند مورد بررسی تصویری قرار دادیم و کتیبه‌های درج‌شده بر روی این ظروف از نظر شیوه‌ها و سبک‌های طراحی حروف کتیبه‌ها پیگیری نموده‌ایم.

۴- فلزکاری در دوره سلجوقی

سبک فلزکاری ویژه ایران اسلامی، برای اولین بار، در عصر سلجوقی به چشم می‌خورد (اشلوپره، ۱۳۶۹: ۲۱). در دوره سلجوقیان صنعت و هنر فلزکاری نیز همانند سایر فنون دیگر راه کمال را پیموده است، قدرت اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی در این دوره که بر اقصی نقاط تحت سلطه سلجوقیان بسط و گسترش یافته بود فرصت قابل توجهی را برای تبادل افکار و تأثیرات هنری متقابل در اختیار صنعتگران و هنرمندان قرار می‌داد (Ferber, 2002: 94). بافت اقتصادی و اجتماعی بسیاری از شهرهای بزرگ این دوره حکایت از اجتماع هنرمندان دارد. محله صنعتگران در شهرهای نظیر خراسان بزرگ (نیشابور) در اواخر قرن چهارم تا قرن ششم هجری باقی‌مانده است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵۸).

در این دوران دو سبک متفاوت در حیطه‌ی هنر فلزکاری نمودار گشت؛ یکی سبک کاربردی و عمومی که در آن از فلز متناسب با وضعیت معیشت طبقه‌ی عمومی جامعه استفاده می‌شود و دیگری سبکی نفیس و تجملاتی که مخصوص طبقات ثروتمند جامعه و متناسب با خواست و تمایلات آن‌ها طراحی می‌شد (ذبیح اله زاده، ۱۳۸۵: ۹۰). به‌خوبی قابل تشخیص هستند که معمولاً اشیای دسته اول به‌صورت ساده پیرایه و بنا به نیازهای صرفاً کاربردی عموم ساخته شده می‌شوند و دسته‌ی دوم، پس از فرم‌گیری قلم‌زنی شده و نقوش تزئینی بیشتری را برای ارضاء تمایلات زیبا خواهی افراد ثروتمند بر خود می‌گردند (Mack, 2002: 51).

در این باره پرفسور آرتور پوپ^۶ در کتاب شاهکارهای هنر ایران، ارتباط فلزکاران و افراد برجسته جامعه را این‌گونه توصیف می‌کند: "هم چنان که مفرغ کاران مشتریان مختلفی از قبیل امیران، بزرگان، مسجدیان، بازرگانان و مالکان داشتند، پادشاهان نیز زرگرانی را به خدمت می‌گماشتند. یک کوزه‌ی زرین که به معزالدوله تعلق داشته است از تجمل و آزادمنشی امیری مشهوری حکایت می‌کند..." (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۳).

آثار دوره سلجوقی عمدتاً دارای موتیف‌های تزئینی انسانی، گیاهی، جانوری و کتیبه‌ای است و بیشترین تکنیک‌های نیز ترصیع کاری (با نقره و مس)، قلم‌زنی، نقره‌کوبی و حکاکی بوده است (ذکاء، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

بلر^۷ در مورد کتیبه‌نویسی‌های دوران اسلامی چنین نوشته است: در دوران اسلامی کتیبه‌نویسی نیز که یکی از سنت‌های پیش از اسلام محسوب می‌شد، همانند طرح‌های هندسی و اسلیمی به صورتی مشخص و مداوم، نه‌تنها ادامه می‌یابد بلکه گسترش نیز می‌یابد. در این دوران کتیبه بر روی تقریباً تمام انواع اشیاء در سراسر سرزمین‌های اسلامی در تمام دوره‌ها (مکتب‌ها) استفاده شده است (Blair, 1998: 3-4).

ارنست کونل در کتاب هنر اسلامی در این رابطه می‌نویسد: "صنعت هیچ کشوری هم چون ایران خط را به این وسعت و عمومیت برای تزئین اشیاء، ساختمان‌های مذهبی و ... به کار نبرده است. در میان انواع قالب‌های خط از آنجا که خط کوفی برای این منظور بسیار مناسب بوده، با حاشیه‌های مرتبی که ترتیب می‌داده و قابلیت استفاده بر کلیه سطوح، صنعتگران ایرانی در استعمال این خط منت‌های سلیقه و مهارت را به کار برده و سرآمد استفاده از آن بوده‌اند (کونل، ۱۳۶۸: ۶۹). متن کتیبه‌ها در این دوره شامل دعا، آیات قرآنی، اندرز، حدیث به کتابت عربی و اشعار با نوشتارهای فارس است (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۸۸). مواد و مصالح مورد استفاده در آثار فلزی دوره سلجوقی را می‌توان به دودسته تقسیم کرد؛ موادی که در ساخت بدنه آثار از آن استفاده شده و دیگری موادی که در تزئین و بر روی بدنه فلزی آثار مورد استفاده بوده است. فلز رایج و غالب در آثار دوره سلجوقی اغلب از آلیاژ مس است؛ مفرغ (برنز)، برنج و در موارد کم نقره و آلیاژهای خاص که عمومیت نداشتند و سپس توسط فلزات گران‌بهرتر مرصع کاری می‌شده‌اند، در میان آثار مشاهده می‌شود. دلیل رواج مس را می‌توان اولاً در فراوانی معادن مس در نقاط مختلف ایران از جمله خراسان، کرمان، اصفهان، زابلستان و سهولت استفاده و در دسترس بودن آن دانست و دلیل دوم را منع شرعی استفاده از طلا و نقره در اشیاء برشمرده (لک پور، ۱۳۷۵: ۱۸).

۴-۱- صنعت فلزکاری مکتب خراسان در دوره سلجوقی

در حوزه فلزکاری سلجوقی دو مکتب خراسان و موصل مورد توجه اکثر محققان و شرق شناسان است. به گفته زکی محمدحسن (۱۳۸۸: ۲۱۹) اگرچه شهرهایی چون اصفهان، همدان و شیراز نیز در فلزکاری نامدار بوده‌اند اما در شرق ایران، مکتب خراسان به اتفاق نظیر بسیاری از محققین برجسته‌تر است. این مکتب زمینه‌ساز مکاتب دیگر فلزکاری در دیگر سرزمین‌های اسلامی شدند. تعداد زیادی از اشیاء مفرغی و برنجی سلجوقی که حکاکی یا نقره‌کوبی شده‌اند، به علت کثرت شباهت، به‌اشتباه در ردیف هنرهای مشابه سوری و مصری از طرف خاورشناسان قرار گرفته‌اند. اما بر اساس مقایسه با ظروف مشابه که سازنده آنها معلوم شده، از هنرهای سلجوقی است که استادان فلزکار خراسانی به وجود آورده‌اند (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۷۶).

پیش از اسلام در دوره ساسانیان استان خراسان یکی از مراکز عمده فلزکاری بود، پس از اسلام و استیلای مسلمانان نیز، همچنان بر این سنت خود پابرجای ماند، به همین سبب اشیاء فلزی ساخته شده پس از اسلام، در این منطقه شباهت چشمگیری با نمونه‌های پیش از اسلام دارند. این مکتب باروی کار آمدن حکومت سلجوقی و حمایت آنان به اوج زیبایی و مهارت رسید و از چنان شهرتی برخوردار گردید که سرزمین‌های غربی ایران نیز خواهان ورود آن بودند (پاکبازی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). ریچل وارد در مورد اهمیت فلزکاری مکتب خراسان چنین می‌گوید:

"ادعای این که هرات مرکز صنعت مرصع کاری فلز بوده، به‌وسیله‌ی کتیبه‌های موجود بر روی دو شیء نفیس، یکی دلو بویرینسکی و دیگری مشربیه‌ی تفلیس تأکید شده است و نام تعدادی از صنعت‌گران بر این نکته دلالت دارد که آن‌ها در هرات زندگی کرده و یا آموزش دیده‌اند. به‌رحال شهرهای مرو، نیشابور و طوس نیز به‌وسیله‌ی عناوین فلزکاران، معروف شده‌اند" (وارد، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۹).

در دوره اسلامی خط (مانند دیگر هنرهای اسلامی)، در هنر فلزکاری به‌خصوص در خراسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در اکثریت ظروف فلزی، کلمات دعا و آرزوی خیر برای دارنده ظرف نوشته شده است. کتیبه‌ها به زبان عربی و خط کوفی، نسخ و یا ثلث است. باید توجه داشت که حروف بلند در خط کوفی نظیر "الف" و "ال" در بعضی از نوشته‌های ظروف متعلق به این مکتب بلندتر از حد معمول است. گاهی انتهای حروف به سر و بدن انسان یا حیوان ختم می‌شود (پاکبازی، ۱۳۸۲: ۱۴۱). کتیبه‌ها به خط کوفی نوشته می‌شدند. عبارات برگزیده برحسب حالت و نوع شیء انتخاب می‌شد و عموماً کتیبه‌ها در نقاط قابل‌رؤیت مانند لبه‌ی شیء، دور گردن شیء، روی پایه یا روی درپوش، نوشته می‌شدند متن دعا بر روی این اشیاء به مالک بی‌نام ظرف فلزی به صورتی ساده چنین بود "برکت و یمن و سرور لصاحبه" یا "سلامه و نصر و رحمه لصاحبه" گاهی به‌جای دعا برای صاحب شیء طلب بخت و اقبال بلند و ثروت و سرنوشت بهتری می‌کردند و این‌گونه کتیبه‌ها بیشتر به خط ثلث یا نسخ بود (احسانی، ۱۳۶۸: ۶۲).

با مطالعات و بررسی‌های انجام شده توسط محققان، بر روی اشیاء فلزی این مکتب، علاوه بر ویژگی‌های گفته شده، برای آگاهی بهتر با این مکتب به موارد زیر اشاره می‌شود:

- حفظ سنت‌های پیشین فلزکاری، شکل آنها، تنگ‌ها، کاسه‌ها، سینی‌ها، پیه‌سوزها و عودسوزها
- جایگزینی طرح‌های کوچک و متراکم
- قرارگرفتن پیچک‌ها و خط نوشته‌هایی در تقسیمات مشهور به طرح‌های بازوبندی مختص فلزکاری مکتب خراسان.
- جایگاه ویژه‌ی خط در هنر فلزکاری دوره‌ی اسلامی و استفاده از خط کوفی، نسخ و ثلث در نوشته‌ها به زبان عربی (بخشنده فرد، ۱۳۸۹: ۸۲).
- نمایش انسان در حالت‌هایی مانند نواختن آلات و ادوات موسیقی
- وجود خرگوش‌هایی با دو گوش بلند

- ردیف حیوانات چهارپا

- وجود پرندگان در طرح‌ها

- پیچک‌ها و برگ‌های مو

- گیس یافته‌های متشکل از سه تا پنج نوار (آیت‌الهی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

- ترصیع و نشانیدن مفتول‌های طلا و نقره و گاهی مس بر روی ظروف مفرغی و برنجی (لک‌پور، ۱۳۷۵: ۱۳). فلزکاران خراسانی با این پیشینه قوی همراه بامهارت توانستند ظروف زیبایی را خلق نمایند و توانایی آنها در ساخت ظروف سبب رقابت بین طراحان برای ابداع نقوش جدید شده بود. با توجه به منابع موجود آثار متفاوتی از هنر فلزکاری شرق ایران از جمله کاسه، دیگچه، قلمدان، شمعدان و ابریق، گلدان و پارچ با این نقوش تزئین شده‌اند. در ادامه برخی از آثار کتیبه دار گنجینه اسلامی موزه ملی که در دسترس بودند، به اختصار معرفی می‌شوند.

۵- معرفی و توصیف فنی و ادبی ظروف فلزی گنجینه اسلامی موزه ملی

۱-۵ معرفی آینه برنزی

شماره موزه: ۳۴۷۲



شکل ۱- آینه برنزی دوره سلجوقی، موزه ملی (نگارنده:

۱۳۹۸).

یکی از نمونه‌های موجود در گنجینه اسلامی موزه ملی، اشکال مدوری هستند، هرچند کاربردهایی متفاوت دارند، اما بر روی آن‌ها، نقوش مختلف اجرا شده است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۶۲). از دوره سلجوقی آینه‌های مدور برنزی، مختلفی به دست آمده که در موزه‌های نقاط مختلف جهان از جمله موزه ارمیتاژ، متروپولیتن، موزه ملی، ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می‌شود اشاره کرد. این اثر در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران، دارای تکنیک برجسته‌کاری و ریخته‌گری است و مربوط به قرن ۵ و ۶ هجری قمری می‌باشد (شکل ۱).

دو آینه تاریخ‌دار که یکی در سال ۵۴۸ هجری و دیگری در سال ۶۷۵ هجری ساخته شده در مجموعه هراری در قاهره موجود است. این آینه‌ها با شکل بروج فلکی و حاشیه‌ای با شکل حیوانات تزئین شده و همین طرح در آینه‌های موجود در موزه لوور و موزه متروپولیتن نیز دیده می‌شود (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۳۷).

شرح اثر: آینه مفرغی مدور، یک طرف آن، در مرکز دارای برآمدگی کوچکی با سوراخی در قسمت میانی می‌باشد و در دو طرف آن دو حیوان افسانه‌ای با بدنی شیر مانند و چهره انسانی، پشت بهم در میان نقوش اسلیمی به صورت برجسته کنده شده است. حاشیه دور این نقش را کتیبه‌ای به خط کوفی برجسته در برگرفته. طرف دیگر آینه با خطوط و ارقام و در مرکز آن نقش دو حیوان روبروی هم پوشیده شده است. این خطوط و ارقام بیشتر جهت فالگیری استفاده می‌کردند.

متن کتیبه: الغر و البقاء و الدوله و الیها و الرافعه و الثناء و الغبطه و العلاء و الملک و النما و القدره و الا للصاحبه ابدأ. "افتخار، بقا، دولت، بهاء، بلند کردن، ستایش، برکت، فضیلت، مالکیت، رشد و موفقیت، و عمر صاحب". این عبارت در کل بیان‌کننده‌ای آرزوی خوشبختی و سلامتی و برای صاحب شیء است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹). (شکل ۲).



شکل ۲- بخشی از کتیبه آینه مفرغی، خراسان، (نگارنده: ۱۳۹۸).

شکل حروف این عبارات مسجع، از نظر بصری هم دارای نظمی آهنگین هستند. همان‌طور که در عبارت دعایی بالا مشاهده می‌شود، الف و لام جزو اصلی‌ترین حروف عمودی‌اند و کتیبه‌نگاران تکرار منظم این حروف را دست‌مایه‌ای برای تزئین قرار داده‌اند. کتیبه به خط کوفی دایره‌وار می‌باشد، اگرچه سبک دایره‌وار تقریباً در تمام کتیبه‌های ظروف فلزی این دوران دیده می‌شود، اما به‌طور مشخص و واضح در برخی از آن‌ها بیشتر دیده می‌شود (پاکبازی، ۱۳۸۲: ۱۵-۲۵). کاربرد این آینه‌ها ابتدا دیدن تصویر خود شخص در آن آمده ولی در قسمت‌هایی با آینه‌های روبه‌رو می‌شویم که سطح صیقلی آن با اوراد پوشانده شده که بحث جادو پزشکی به میان می‌آید. در زمان سلجوقیان با ورود خط به نقوش ظروف و وسایل، استفاده از ادعیه و اذکار شکل گرفت، که البته پیشینه استفاده از اوراد به زمان‌های دورتری می‌رسد؛ گاهی این موارد جادو پزشکی نامیده می‌شود. این کاربرد بیشتر بر روی ظروف و برای درمان بیماری‌ها تعریف شده است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۳-۲۳).

این جسم شفاف و درخشانی که امروز جزء لوازم ضروری زندگی است، و همه ما روزانه چند بار با آن روبه‌رو می‌شویم، و دارای مقامی والا و سرگذشتی جالب است. این سرگذشت در زندگی ایرانیان که همیشه با شعر و ادب سرکار داشته‌اند درآمیخته تر و دلکش‌تر گردیده است. آینه در ادب فارسی و باور مردم نماینده صفا، پاکی، راستی و بی‌ریایی است. دل‌پاک و ضمیرهای روشن به آینه شبیه شده‌اند. به‌عکس هرگاه خواسته‌اند از دل‌های پرکینه و مغزهای نادرست و کج‌فکر سخن به میان آورند آن‌ها را به آینه زنگ‌خورده تشبیه کرده‌اند (سمسار، ۱۳۴۲: ۲۴). وجه تمایز این نمونه از دیگر آینه‌های سلجوقی که در اینجا توصیف می‌شود از لحاظ، کیفیت حکاکی‌های طلسمی است که در پشت آینه انجام شده و در میان هم‌تایان خود کم‌نظیر است. یک جدول جادویی در پشت آینه واقع شده که مجموعی از نقوش حیوانی، گیاهی، هندسی، کتیبه‌نگاری دارد. پشت آینه به چند بخش تقسیم شده است که مرکز این بخش نقوش حیوانی نظیر خرگوش، عقرب و ... مشاهده می‌شود. افزون بر آن در پیرامون این نقوش حروف و اعداد جادویی در شش و پنج سطر واقع شده که سطور و فضای بین آن‌ها حامل نمادهای جادویی است (شکل ۳).



شکل ۳- بخشی از آینه مفرغی که تبدیل به پلاک طلسمی شده است، موزه ملی (نگارنده: ۱۳۹۸).

۵-۲- معرفی عود سوز

شماره موزه: ۳۴۶۳

عود سوز یا بخوردان که بانام‌های مثل «آتشدان، بخورسوز، بُخوره، بوی‌سوز، عطر سوز، عود گردان، مُجمَر، مجمره و منقل (دهخدا، ج ۲، ۱۳۷۳: ۱۷۹۶۵). از آن یاد شده است، اصولاً ظرفی مخصوص جهت سوزاندن مواد معطر به‌ویژه عود می‌باشد. عود سوزهای باقی‌مانده از قرون اولیه‌ی اسلامی (که امروزه در موزه‌ها و گالری‌های کشورهای اسلامی و سراسر دنیا نگهداری می‌شوند)، غالباً اشکال مختلفی دارند و همان‌طور که ذکر شد، مواد و مصالح ساخت آنها از منابع غنی فلزی در نقاط مختلف مثل خراسان به دست می‌آید. جالب‌توجه است که در برخی مناطق دیگر، این عود سوزهای اسلامی "همچون چراغدان‌های فلزی، از ناقوس کلیساهای مسیحی که ذوب و قالب‌گیری شده بودند به وجود می‌آمدند که این، خود نمادی از تفوق و برتری اسلام بود (Baker, 2004: 107). عود سوزهای فلزی مشبک به شکل پرند، گربه‌سانان، گنبد‌ها و سایر احجام خاص هندسی در دو قرن پنجم و ششم هجری قمری در ایالت شمال شرقی ایران رواج یافت "شمار زیادی از نمونه‌های به‌دست‌آمده که با پیکره‌های مختلف شیر ساخته شده‌اند نمایانگر شدت محبوبیت و رواج آن‌هاست. در سده ششم تولید این کالا دفعتاً متروک ماند (فریه، ۱۳۷۴: ۱۷۱). ساخت عود سوز به شکل پرند یا حیوان، به‌ویژه شیر آشکارا نشان می‌دهد که این کالایی مجلل و شاهانه بوده است. گویی

این‌ها را از روی مدل آبخوری‌های همانند شیر که به نام آکوامانیل^۹ شهرت دارد و هم‌زمان در غرب هم استفاده می‌شده است (تالوت تریس،^{۱۰} ۱۳۸۵: ۸۰).



شکل ۴- عود سوز خراسان، قرن پنجم و ششم هجری (نگارنده: ۱۳۹۸).

متن کتیبه سطح خارجی درپوش: "مبارک لصاحبه و سجاده تامه فخرالنسا الزاهد العلمه الشین بنت عمر".

متن کتیبه کوفی سطح داخل درپوش: "دایم الحکمہ لصاحبه و غفران لکایبه" (مرکز اسناد موزه ملی) (شکل ۵).



شکل ۵- بخشی از کتیبه عود سوز فلزی با تکنیک ریخت‌گری و مشبک‌کاری، قرن ۵-۶ هـ.ق، (نگارنده: ۱۳۹۸).

عود سوز مفرغی ۶ ضلعی مسکوب با درپوش که مرکز آن برآمدگی گنبدی شکل مشبکی در گنجه اسلامی موزه ملی وجود دارد، که به قرن ۵-۶ هـ.ق تعلق دارد، محل کشف آن مشخص نیست، و تکنیک ساخت و تزئین آن ریخت‌گری، مشبک‌کاری و روی آن سه کتیبه به خط کوفی مسکوب گردیده است و حفاصل آنها سه سوراخ وجود دارد. داخل درپوش نیز دارای کتیبه کوفی می‌باشد در وسط هر یک از اضلاع شش‌گانه فرورفته درپوش یک دایره با نقش تزئینی کنده‌شده است. لبه بدنه را حاشیه‌ای زینتی در بر گرفته است و در وسط هر ضلع مربع مشبکی وجود دارد که بالا و پایین آنها یک دایره مسکوب دیده می‌شود. حاشیه تزئینی بالا در انتهای بدنه تکرار گردیده است. بدنه به یک لبه به خارج منتهی می‌گردد (شکل ۴).

خط کوفی بر روی عودسوز، کوفی ساده است، کشیدگی کتیبه به‌منظور جاسازی متن در طول نوار کتیبه قرار گرفته است. آرتور پوپ در مورد شکل عود سوزهای این دوره چنین عقیده دارد: "روشن است که عرف، شکل سنتی را تأیید نکرده و هنرمند در اجرای آزمایش‌هایش احساس آزادی می‌کرده است. برخی از قطعات ظاهر شیر یا پرنده‌گان را می‌نماید و با نوعی سادگی کودکانه و شوخ‌طبعی کارشده‌اند، گویی که در جست‌وجوی بخشودگی برای ورود به حیطه‌هایی ممنوع بوده باشند. دیگر بخورسوزها بدنه‌ای استوانه‌ای یا مکعبی، دستگیره‌هایی برآمده و قبه‌های گنبدی یا نیم‌قبه‌هایی دارند که رویشان اشکال متنوعی موقر نشسته‌اند (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۸۸۵).

۵-۳ معرفی دوات^{۱۱} (مرکبدان‌ها)

شماره موزه: ۳۳۶۱

نمونه دیگر یک دوات مفرغی است که بسیار غنی و ارزشمند تزئین شده است. با بررسی ساخت‌وساز آن دریافتیم که این دوات به کمک تسمه متصل به ریسمانی که از بین حلقه‌ها رد شده کار می‌کند. تعداد بسیار زیادی از این دوات هستند دارای تزئینات گیاهی، هندسی، حیوانی هستند. کتیبه که از نظر خطوط کتیبه‌ای در میان مجموعه ظروف فلزی قابل توجه‌اند. اسد اله سورن ملیکیان شیروانی در مقاله‌ای با عنوان "چگونگی مرکبدان‌های ایران اسلامی"^{۱۲}، که در پایگاه موزه هنر والترز موجود می‌باشد، کتیبه برخی از این مرکبدان‌ها را توصیف کرده است. در پایگاه "Barakat Museum"، تصاویر قابل‌ملاحظه‌ای از مرکبدان‌های متعلق به آسیای مرکزی قرار دارد (Melikian Chirvani, 1982). ابزار علمی مزین که بسته به نوع استفاده در دوره سلجوقی با انواع مختلف فلزات ساخته می‌شد شامل سه دسته است؛ ابزار نگارش مانند مرکبدان‌ها، ابزار طب و شیمی مانند هاون‌ها. مرکبدان‌های این دوره طرف‌های مدور کوچکی هستند که سرپوش به شکل مخروط دارند، فرم آن‌ها شبیه برج مقبره‌هایی است که در دوره سلجوقی ساخته شده‌اند؛ این برج مقبره‌ها شبیه خیمه‌های مخروطی شکل (یورت) ترکان قفقاز (مسکن اولیه سلجوقیان) است (تالوت تریس، ۱۳۷۵: ۶۸).

یک نمونه دوات از عصر سلجوقی در گنجینه اسلامی موزه ملی نگهداری می‌شود که در خراسان ساخته شده و به قرن ۵ و ۶ هجری قمری تعلق دارد و دارای تکنیک و تزئین ریخته‌گری، چکش‌کاری، قلم‌زنی، حکاکی، کوفت‌گری، سیاه‌قلم می‌باشد، که

بدنه‌ای استون‌های شکل دارد و سرپوش آن مرکبی از چند قطعه با سقف گنبدی شکل در بالای بدنه قرار دارد (شکل ۶). درپوش و دسته در مرکز دارای تزئینی مدوری از سطح ظرف خارج گردیده و قسمت بالایی آن با دوسری کوچک پوشیده شده، از گل هشت پر و کتیبه‌ای به خط ثلث تزئین گردیده. دور سرپوش مزین به کتیبه‌ای نقره‌کوب به خط کوفی که در سه طرف آن سه دسته کوچک وجود دارد. سطح میانی این دو دایره کوچک پر شده، از گل هشت‌پر و سه قطعه تزئینی که به آن متصل گردیده تزئین یافته و در قسمت بالا و پایین آن دو ردیف کتیبه به خط ثلث نقره‌کوب شده است.



شکل ۶- مرکبدان کتیبه‌نویسی، قرن ۵ و ۶ هـ.ق، (نگارنده: ۱۳۹۸).

کتیبه ثلث در سطح روی سرپوش: العز و الاقبال و الدوله و السلام و السعاده "افتخار و شادی و قدرت، آرزوی خوشبختی و سلامتی".

کتیبه کوفی دور لبه سرپوش که سه بار تکرار گردیده: با الیمین و البرکه و الدوله "یمین، برکا و دولت"

کتیبه ثلث ردیف اول سطح بدنه: العز و الاقبال و الدوله و السلام و السعاده "افتخار و شادی و قدرت، آرزوی خوشبختی و سلامتی".

کتیبه ثلث ردیف دوم سطح بدنه: العز و الاقبال و الدوله و اسلامه و الزینته و الشکرو السعاده و الشفاعه "افتخار، شادی، دولت، سلامتی، زینت، سپاسگزاری، آرزوی خوشبختی و شفا" (شکل ۷) (مرکز اسناد موزه ملی). کوفی ساده (تحریر) در بسیاری از مرکبدان‌های این دوره مشاهده می‌شود. در این شیوه هیچ تزئیناتی به حروف افزوده نشده و کتیبه خوانایی بالایی دارد. فشردگی و طول حروف در نمونه‌های متفاوت است و با توجه به طول و ارتفاع نوار کتیبه تنظیم شده است.



شکل ۷- بخشی از کتیبه‌های مرکبدان با خط کوفی تحریری و ثلث، قرن ۵ و ۶ هـ.ق، موزه ملی، (نگارنده: ۱۳۹۸).

۵-۴- معرفی طاس مفرغی

شماره موزه: ۴۱۳۰

گونه دیگری از اشیاء فلزی سلجوقی طاس‌ها هستند. طاس‌ها با تکنیک قلم‌زنی و برجسته‌کاری با مس و نقره ساخته می‌شوند (وارد، ۱۳۸۴: ۷۵). یک نمونه از این ظروف که در استان مرکزی به‌دست‌آمده مربوط به قرن ۶ هجری قمری، و گنجینه اسلامی موزه ملی نگهداری می‌شود. طاس مفرغی با بدنه محدب با ارتفاع ۱۰/۱۳ سانتی‌متری و دهانه ۱۴/۵ سانتی‌متری، کف بر روی لبه نقش حیوان گربه‌سان با چهره‌های مختلف از جمله صورت انسانی، خرگوش، روباه و... در حالت دوییدن دیده می‌شود. اگرچه کل سطح بیرونی بدنه، فضای مناسبی برای تزئینات فراهم کرده است؛ تنها بخشی از آن، با نقوش انسانی، گیاهی و هندسی در نوارهای عمودی و افقی تزئین شده است. نوار پهن میانی و میزبان دایره‌ی بزرگ و کوچک بر زمینه‌های از نقوش هندسی است (شکل ۸).

به‌طور کلی نقوش انسانی به‌کاررفته بر روی آثار فلزی به‌ویژه دوره سلجوقی، در صحنه‌ها و حالات مختلفی چون شکار، تشریفات، بزم، رزم و سوارکاری دیده می‌شود که عموماً برگرفته از نقوش تزئینی قبل از اسلام به‌ویژه ساسانی هستند. در صحنه‌های نوازندگی تعدادی از نوازندگان در حال نواختن آلات مختلف موسیقی نقش می‌شوند. سازها شامل نی و فلوت، تنبور و بریط، چنگ، دف و... هستند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۶). در داخل طاس مذکور دوایر با تصویر نوازندگان و نقوش تزئینی طرح اسلیمی، به‌صورت یکی در میان پر گردیده است. در بین دو تا از این دوایر کتیبه‌ای به خط ثلث قرار دارد، ولی متأسفانه متن کتیبه هنوز خوانده نشده (شکل ۹).



شکل ۹- کتیبه‌ی بر بدنه یک طاس مفرغی با خط ثلث، (نگارنده: ۱۳۹۸).



شکل ۸- طاس کتیبه‌نویسی با تکنیک قلم‌زنی و برجسته‌کاری نقره و مس، (نگارنده: ۱۳۹۸).



شکل ۱۰- پشت طاس مفرغی با نقوش انسانی، گیاهی و جانوری، قرن ۶ هـ ق، (نگارنده: ۱۳۹۸).

قسمت مرکزی کف ظرف نقش خورشید با چهره انسانی و اشعه‌ی مثلث مانند میان دایره‌ای محصور شده است و شش دایره دیگر داخل هر یک سمبل یکی از برج دوازده‌گانه ترسیم شده، قرار دارد. بین این دوایر را دوایر کوچک‌تری فاصله انداخته‌اند که داخل آنها یکی در میان نقوش حیوانی شبیه شیر وجود دارد و سپس دوازده دایره دیگر که داخل هر یک از آنان نیز با سمبل‌های صور دوازده‌گانه فلکی پر گردیده است. این دوایر به‌وسیله گره‌های زیبا به هم متصل شده‌اند (شکل ۱۰).

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی ۴ نمونه از ظروف فلزی دوره سلجوقی گنجینه اسلامی موزه ملی، در این پژوهش، با تأکید بر کتیبه‌ها، نتایج مهمی را برداشت: نخست آنکه انتخاب کتیبه‌ها در این دوران هدفمند نبوده و به‌گونه‌ای که غالب کتیبه انتخابی به‌نوعی به شکل ظروف، کاربرد خاص آن اشاره ندارد. کتیبه‌های کوفی که اشیاء فلزی را مزین کرده‌اند شاید به این دلیل که محتوای کتیبه‌ها معمولاً به عبارت‌های کلیشه‌ای در بیان دعا‌های خیر و استعانت محدود بوده و تنها به‌ندرت نام سازنده‌ی ظرف‌ها را در برداشته‌اند عموماً نادیده گرفته شده‌اند. از لحاظ شکلی، نکته قابل توجه عدم حضور کلمات فارسی در ظروف فلزی می‌باشد، شاید یکی از دلایل آن مباح کردن استفاده از ظروف فلزی که امری مکروه محسوب می‌گشت در نزد مصرف‌کنندگان برخی ظروف فلزی هست و یا به

کمک کلمات دعاگونه عربی این امر را به‌ظاهر شرعی می‌بخشیدند. در مورد خطوط کتیبه‌های ظروف فلزی در دوره سلجوقی از ساختار و قواعد برخوردار است، باید گفت بر اساس یافته‌ها کتیبه‌های ظروف فلزی سلجوقی از اصول نگارشی و قواعد خوشنویسی پیروی نمی‌کند، بر اساس نمونه‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ این نتیجه حاصل شد که حروف این کتیبه‌ها هماهنگ با ساختار جمعی و تزئینات ظرف طراحی شده‌اند. که از این میان تعداد ۴ اثر برای مالک بی‌نام شیء فلزی به‌صورت ساده طلب خیر، مغفرت، اقبال، خوشبختی، سلامتی، شادی، افتخار و ... می‌کردند و این کلمات در آثار فلزی عصر سلجوقی گاهی در دعا به‌طور مجهول و به‌صورت مسجع نگاشته شده‌اند. گویی از این کلمات مانند الگوی واحد برای تزئین انواع ظروف و بدون توجه به کاربرد شیء تزئین شده است و تنها با دانستن الفبای عربی می‌توان آن‌ها را شناخت و شکل‌های گوناگون آن‌ها را با یکدیگر سنجید. مبارک (۱)، الصاحبه (۵)، سجاده (۱)، التامه (۱)، فخرالنسا (۱)، الزاهد (۱)، العلمه (۱)، الشین (۱)، بنت (۱)، عمر (۱)، دایم (۱)، الحکمه (۱)، غفران (۱)، لکایه (۱)، الیمن (۱)، الدوله (۵)، العز (۴)، الاقبال (۳)، السلامه (۳)، الزینته (۱)، الشکرو (۱)، الشفاعة (۱)، البقاء (۱)، البها (۱)، الرافعه (۱)، الثناء (۱)، الغبطه (۱)، العلاء (۱)، الملك (۱)، النما (۱)، القدره (۱)، ابدأ (۱)، العافیة (۱)، الکرامة (۱)، تنها در کتیبه مربوط به دوات کلمات دعایی (الفر، الاقبال، الدوله، السلامه و السعاده)، را داریم که می‌توان این ظرف را مربوط به امور اداری نشان دهد. و کلمه لدوله جزء پرکاربردترین کلمات است که ۵ بار آمده است.

سپاسگزاری

با تشکر از دکتر مجید منتظر ظهوری، استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران که در روند شکل‌گیری این مقاله همراهی نموده‌اند.

پی‌نوشت

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| 1. Richard Etighausen and Aleg Gerber | 7. Blair |
| 2. Rachel Enters | 8. Friary |
| 3. Ernest Conel | 9. Aquamanel |
| 4. Helen Brand | 10. Talbot Trice |
| 5. Schlopper | 11. Inkwel |
| 6. Arthur Pop | 12. State Inkwells in Islamic Iran |

منابع

- آیت الهی، حبیب‌الله، (۱۳۸۲)، «فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول»، مطالعات هنرهای تجسمی، شماره ۲۰، صص ۱۳۸-۱۴۸.
- آیت‌الله زاده شیرازی، باقر. (۱۳۶۲)، «بررسی هنر فلزکاری در دوران سلجوقی»، فصلنامه هنر، شماره ۳، صص ۱۶۴-۱۷۹.
- اشیولر برتولد، (۱۳۶۹)، «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی»، ترجمه: مریم میراحمدی، جلد دوم. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- اتینگهاوزن ریچارد؛ گرابر الگ، (۱۳۷۸)، «هنر و معماری اسلامی (۱)»، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت.
- احسانی محمدتقی، (۱۳۶۸)، «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بخشنده فرد حمیدرضا، (۱۳۸۹)، بررسی آثار تاریخی فلزی در مرمت، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- پاکبازی سارا، (۱۳۸۲)، «فلزکاری از مکتب خراسان تا عصر مغول»، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۲۰، صص ۱۳۸-۱۴۸.
- پوپ آتر آپم، (۱۳۸۷)، «سیری در هنر ایران»، مترجمان نجف دریابندی و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- توحیدی فائق، (۱۳۸۶)، «مبانی، هنرهای: فلزکاری، نگارگری، سفالگری، بافته‌ها و منسوجات». تهران، انتشارات سمیرا.
- تالبوت رایس دیوید، (۱۳۷۵)، «هنر اسلامی»، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حیدرآبادیان شهرام؛ عباسی فرد فرناز، (۱۳۸۵)، «هنر فلزکاری اسلامی»، تهران، انتشارات سبحان.
- خلیلی ناصر، (۱۳۸۶)، «انگشتره»، ترجمه غلامحسین علی مازندرانی، تهران، نشر کارنگ.
- دیماندر موریس اسوند، (۱۳۶۵)، «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه عبدالله فریاری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، «لغت‌نامه‌ی دهخدا. ج ۱۰ و ۱۲»، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، موسسه‌ی دانشگاه تهران.

- ذكاء، يحيى؛ سمسار محمدحسن، (۱۳۸۸)، «هنر ایران». تهران، انتشارات زر ایران.
- ذبیح اله زاده محمدرضا، (۱۳۸۵)، «احجام فلزی دوران اولیه اسلام تا اواخر دوره سلجوقی»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴، صص ۸۵-۱۰۲.
- فکرت محمدآصف، (۱۳۷۷)، «خط کوفی»، تهران، انتشارات رسانه کلام.
- کونل ارنست، (۱۳۶۸)، «هنر اسلامی»، ترجمه مهندس هوشنگ طاهری، چاپ سوم، مشهد، انتشارات توس.
- لک پور سیمین، (۱۳۷۵)، «سفیدروی»، تهران، ناشر سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مرادی آزاده، (۱۳۹۵)، «مطالعه زیبایی‌شناسی فلزکاری سلجوقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، تهران.
- محمدحسن زکی، (۱۳۸۸)، «هنر ایران در روزگار اسلامی»، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران، صدای معاصر.
- نوروزی طلب علیرضا؛ افروغ محمد، (۱۳۸۹)، «بررسی فرم، تزئین و محتوا در هنر فلزکاری دوران سلجوقی و صفوی»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۲، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- وارد ریچل، (۱۳۸۴)، «فلزکاری اسلامی»، ترجمه مهناز شایسته‌فر، چاپ اول، تهران، انتشارات مطالعات هنر اسلامی.
- Baker, Patricia L. (2004). Islam and the Religious Arts, The Cromwell Press, Great Britain.
- Blair, Sh. S. (1998a). Islamic Inscriptions. United Kingdom, Edinburgh University Press.
- Ferber, Stanley. (1975). Islam and the medieval west, State University of New York at Binghamton.
- Kuiper, Kathleen. (2010). Islamic art, Literature, and culture, Britannica educational publishing.
- Melikian Chirvani., Assadullah Souren. (1982). Islamic Metalwork from the Iranian World. 8-18th centuries (Victoria and Albert Museum Catalog), First published.
- Mack, Rosamond E. (2002). Bazaar to Piazza: Islamic trade and Italian art 1300-1600, University Of California press.
- Watts, William Walter. (2014). Europe from the middle ages/
<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/377708/metalwork/73996/Europe-from-the-Middle-Ages>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

